

صادرات و واردات در سطح بین‌المللی

نویسنده: جرمن فارین پالیسی

مأخذ: سایت امید

تاریخ ایجاد: 26.6.2015

گزارش جدید صادرات اسلحه آلمان: نه فقط علیه روسیه

خواست گشودن میدان های جدیدی برای فعالیتهای نظامی به موازات جنگ قدرت با روسیه، امتداد تلاشهای جاری آلمان به طور مثال برای تسلیح بیشتر دول رقیب چین در شرق و جنوب شرقی آسیا است. آنچنان که گزارش جدید صادرات اسلحه دولت آلمان که هفته جاری منتشر شد نشان می دهد، شرق و جنوب شرقی آسیا تا همین اکنون نیز یک مرکز ثقل سیاست تسلیحاتی آلمان را تشکیل می دهند: در میان بالاترین ده کشور خریدار ابزارهای جنگی از آلمان، چهار کشور این منطقه دیده می شوند در حالی که از کشورهای عضو ناتو فقط نام دو کشور به چشم میخورد.

محافل متعلق به بوندس وهر (ارتش آلمان Bundeswehr) خواهان گسترش فعالیتهای آلمان در اقیانوس هند هستند. در یک تحلیل سه نفر از متخصصین علوم سیاسی دانشگاه بوندس وهر در مونیخ آمده است که این اقیانوس بین شرق آفریقا و جنوب شرقی آسیا و همچنین استرالیا، در حال حاضر مهم ترین راه دریائی برای تجارت جهانی است و با جایگزینی اقیانوس اطلس به عنوان دریای مرکزی جهانی تبدیل به "اقیانوس قرن 21" خواهد شد. آلمان نیز باید متناسب با این تحول در آنجا فعال شود - از جمله از طریق نظامی و نخست مثلا با مانورهای مشترک با کشورهای مجاور این اقیانوس. تاکنون بوندس وهر فقط در جیبوتی در غرب اقیانوس هند به طور دائمی حضور دارد و این خیلی ناچیز است.

خواست گشودن میدان های جدیدی برای فعالیتهای نظامی به موازات جنگ قدرت با روسیه، امتداد تلاشهای جاری آلمان به طور مثال برای تسلیح بیشتر دول رقیب چین در شرق و جنوب شرقی آسیا است. آنچنان که گزارش جدید صادرات اسلحه دولت آلمان که هفته جاری منتشر شد نشان می دهد، شرق و جنوب شرقی آسیا تا همین اکنون نیز یک مرکز ثقل سیاست تسلیحاتی آلمان را تشکیل می دهند: در میان بالاترین ده کشور خریدار ابزارهای جنگی از آلمان، چهار کشور این منطقه دیده می شوند در حالی که از کشورهای عضو ناتو فقط نام دو کشور به چشم میخورد.

نوسانات در کشورهای عربی

گزارش صادرات اسلحه سال 2014 که در هفته جاری توسط دولت آلمان منتشر شد جابجائی هائی منطقه ای را در ثقل فعالیتهای آلمان نشان می دهد. به طور مثال بیش از هر چیز صادرات اسلحه به جهان عرب کاهش یافته است. الجزایر که در گزارش سال قبل با رقم واردات 825 میلیون دلار در رأس خریداران سلاحهای آلمانی قرار داشت، اکنون با رقم 164 میلیون یورو در رده هفتم قرار گرفته است و قطر که سال قبل با رقم 673 میلیون یورو در رده دوم بود اکنون با رقم ناچیز 15.5 میلیون یورو کاملا از دور خارج شده است.

اما به علت جنگ با داعش، ابزار جنگی به ارزش 86 میلیون یورو به عراق تحویل داده شده است که به این ترتیب از یک رده پائین (تقریبا 21.5 میلیون یورو) به رده 14 ارتقا یافته است. بر خلاف ادعای دولت آلمان، این کاهش صادرات اسلحه به کشورهای عربی بیشتر ناشی از نوسانات تجاری رایج در این شاخه است تا یک سیاست صدور اجازه تسلیحات سختگیرانه. عربستان سعودی، یکی از مورد مناقشه ترین کشورهای دریافت کننده اسلحه از آلمان، توانسته است اجازه وارد کردن سلاح به ارزش 209 میلیون یورو را کسب کند و به این ترتیب تنها از رده 4 به رده 6 تنزل یافته است. حرفی از سختگیری واقعی نمی تواند باشد.

رشد در اروپای شرقی

در این میان به روشنی معلوم می شود که به دلیل جنگ سرد جدید بر علیه روسیه فرصتهای جدیدی برای صادرات اسلحه آلمان به کشورهای متعددی در شرق اروپا به وجود می آید. مثلا لهستان که خرید اسلحه آن از آلمان در سال 2013 معادل رقم 42.8 میلیون یورو بود، با رشدی 30 درصدی به رقم 55.7 میلیون یورو اکنون در رده بیستم خریداران اسلحه از آلمان قرار گرفته است. مضافا در فصل اول سال 2015 دولت آلمان جواز صدور تجهیزات نظامی دیگری به لهستان (از جمله کلاهکهای موشکی و گلوله) به ارزش تقریبی 23 میلیون یورو را صادر نموده است که علاوه بر آن خواهان خرید تانکهای آلمانی لئوپارد 2 نیز هست. دولت لهستان همچنین تهیه 50 هلیکوپتر اچ-225-ام کاراکال را نیز در نظر گرفته است که توسط ایرباس تولید می شوند و 3.1 میلیارد یورو به صندوقهای این کنسرن سرازیر می کنند.

و بالاخره این که لهستان در نظر دارد همراه با نروژ و هلند تعدادی هواپیمای آ-330-ام-آر-تی سفارش بدهد [1]. به اینه باید برنامه های تسلیحاتی جدید دولتهای بالکان را نیز اضافه نمود و صدور اسلحه به اوکراین را. البته برلین هنوز از فروش اسلحه

به اوکراین خودداری می کند. کاری که دولتهای دیگر ناتو بدان آغاز کرده اند. اما شرکتهای آلمانی توانستند تنها با تحویل 40000 کلاهخود به ارتش اوکراین 8.4 میلیون یورو کاسبی کنند و فروش 40000 جلیقه ضد گلوله همراه با لوازم متعلقه نیز مبلغ 15.5 میلیون یورو درآمد به همراه داشت. [2]

چهار کشور از ده کشور در آسیا

اما در این میان بیش از همه چهار کشور شرق و جنوب شرقی آسیا در میان ده کشور برتر وارد کننده اسلحه از آلمان قرار گرفته اند. در مقابل دو کشور عضو ناتو (آمریکا و انگلستان). سنگاپور، دولت-شهری کوچک اما از نظر استراتژیک بسیار مهم [3] در لیست رده بندی کشورهای دریافت کننده اسلحه از آلمان با رقم 329 میلیون یورو در رده سوم قرار گرفته است، پیش از کره جنوبی با رقم 254 میلیون یورو در رده چهارم.

اندونزی با رقم 108 میلیون یورو از رده پنجم به رده نهم عقب افتاده است در حالی که سلطان نشین کوچک برونی با رقم 105 میلیون یورو موفق به اشغال رده دهم شده است. برونی از آن جهت مهم است که درگیر جدالی بر سر جزایر با چین است و این خرید اسلحه از آلمان را مهم می کند.

هم اتحادیه اروپا و هم ناتو قراردادهای همکاری با کره جنوبی امضا نموده اند. قرار داد معروف به " Framework Participation Agreement " که در سال 2014 بین سئول و بروکسل توافق شده است، اجازه می دهد که نیروهای نظامی کره جنوبی در عملیتهای نظامی اتحادیه اروپا به کار گرفته شوند. [4]

پیرامون چین

با نقل جدید صدور اسلحه به شرق و جنوب شرقی آسیا یک بار دیگر ثابت میشود که دولت آلمان محیط پیرامون چین را نه فقط از نظر اقتصادی، بلکه همچنین از نظر تسلیحاتی و نظامی بیشتر و بیشتر در مرکز توجه قرار میدهد. [5] بدون توجه به تشدید جنگ قدرت با روسیه، محافل بوندس و هر علاوه بر این خواهان افزایش فعالیتهای نظامی آلمان به ویژه در اقیانوس هند هستند. کالو ماسالا، پروفیسور روابط بین المللی دانشگاه مونیخ بوندس و هر، اخیر در سندی که او مشترکا با دو نفر از همکارانش، کنستانتینو تستوس و تیم نپل، برای بنیاد کنراد آدناوئر وابسته به حزب حاکم دمکرات مسیحی تهیه نموده است خواستار اتخاذ چنین سیاستی شده است. ماسالا در سالهای 2004 تا 2007 در کالج دفاعی ناتو در رم اشتغال داشت و از سال 2009 به عنوان عضو شورای علمی وزارت آموزش و پرورش آلمان مسئول بخش اجتماعی علمی مربوط به مطالعات باصطلاح امنیتی است.

مسابقه تسلیحاتی

آنچنان که ماسالا و همکارانش می نویسند، اهمیت اقیانوس هند اکنون به گونه ای قابل توجه در حال افزایش است. بخش عظیمی از تجارت جهانی از طریق این اقیانوس انجام می شود که بخش بزرگ تجارت چین با اروپا و آفریقا و واردات مواد خام کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا از آفریقا و خاورمیانه و تقریباً تمام تجارت خارجی هندوستان را در بر میگیرد. علاوه بر این برخی از حساس ترین مسیرهای دریائی جهان در حاشیه های اقیانوس هند قرار دارند. به طور مثال تنگه همجوار جیبوتی (باب المندب)، که ورود به دریای مدیترانه از طریق دریای سرخ و کانال سوئز را کنترل می کند یا راه دریائی مالاکا که در کنار مالزی دو کشور دیگر نیز با آن هم مرزند که هر دو در میان ده کشور برتر وارد کننده اسلحه از آلمان قرار دارند: سنگاپور و اندونزی. آنچنان که مؤلفین سند تأکید می کنند، در پیرامون اقیانوس هند خطر یک مسابقه تسلیحاتی وجود دارد، به موازات نزاعی که بین غرب و روسیه در جریان است.

عملاً نیز رقابتها هم اکنون بر سر پایگاههای نظامی یا حداقل بنادر قابل استفاده نظامی در جریانند. سند اشاره می کند که مثلاً آمریکائی ها نه تنها در غرب اقیانوس هند و در شبه جزیره عربستان (بحرین، عمان، عربستان سعودی) و جیبوتی، بلکه همچنین در جنوب (دیه گو گارسیا) و در شرق این دریای جهانی (تایلند و فیلیپین) از پایگاههای نظامی برخوردارند. [6] چین نیز بنادری از جمله در سریلانکا (هامبان توتا) و در پاکستان (گوادر) را تجهیز نموده است که نخست مورد استفاده تجاری اند اما احتمالاً می توانند برای تأمین تجارت دریائی چین مورد استفاده نظامی هم قرار بگیرند. آنچنان که مؤلفین تأکید می کنند، روسیه نیز از طریق از قبیل مانور نظامی مشترک با نیروی دریائی هندوستان حضور دارد. انگلستان و فرانسه نیز لااقل از پایگاههای کوچکی برخوردار هستند.

حضور دائمی

ماسالا و همکارانش مینویسند که "این به نفع آلمان است که در تأمین امنیت خطوط ارتباطی دریائی سهمی را بر عهده بگیرد تا هم وابستگی خود و ضربه پذیری راههای باز دریائی و امکان دستیابی به منابع مواد خام و بازارهای فروش را کاهش دهد". [7] فعالیتهای تاکونوی بوندس و هر برای این منظور کفایت نمی کنند. البته از سال 2002 و با "گروه آلمانی ارتباط و پشتیبانی جیبوتی" که کشتی های جنگی در حال پهلو گیری را مورد حمایت قرار می داد، حداقلی از حضور دائمی در شرق اقیانوس تأمین شده است. علاوه بر آن اتحادیه اروپا هم با عملیات آتلانتا و یوکپ نستور EUCAP Nestor فعال است، پروژه ای که افزایش ظرفیت دریائی در کشورهای شرق آفریقا را هدف قرار داده است.

اما اینها کافی نیستند. مؤلفین خواستار آنند که آلمان باید "بسیار بیشتر از تاکنون" در اقیانوس هند فعال شود. موضوع بر سر "حضور دائمی در منطقه" است و "مشارکتهای تنگاتنگ دوجانبه با دولتهای کلیدی" و همچنین "مانورهای مشترک" که در جهت "استاندارد کردن همکاریهای عملیاتی" می توانند به کار گرفته شوند و همه آنها برای تدارک دخالتهای نظامی در آینده.

امکان دخالت نظامی نباید نفی شود

فعالیتهای نظامی در حال حاضر البته "بیشتر در چهارچوبی تکمیلی و بر بستر عمومی سیاست خارجی آلمان درک می شوند" اما "امکان چنین عملیاتی نباید نفی شوند". [8]

به این وسیله مؤلفین چشم اندازی اضافه در زمینه عملیتهای دخالتگرانه بوندس و هر در آسیا و در پیرامون چین را در زمانی باز می کنند که آلمان از مدتها پیش همراه با سایر قدرتهای غربی وارد رقابت تسلیحاتی خطرناکی با روسیه شده است که مدام وجوه تهدید آمیز بیشتری به خود میگیرد.

جرمن فارین پالیسی،

26 ژوئن 2015

ترجمه: تحریریه امید